



انترناسیونال

۲۱۰

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۳۰ شهریور ۱۳۸۶، ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۷

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سرمدیبر: محسن ابراهیمی

پیام حمید تقوائی بمناسبت آغاز سال تحصیلی
به جنبش عظیم جهانی علیه اعدام به پیوندید!
صفحه ۵

چپ، انقلاب، و ویژگی های جنبش سرنگونی در ایران

۱۰ اکتبر (۱۸ مهر)، علیه اعدام بپا خیزیم!
تظاهرات، راهپیمایی، نمایشگاه عکس و ...
صفحه ۶



حمید تقوائی

پاسخ مردم به تلاشهای اخیر رژیم برای مرعوب کردن جامعه و عقب راندن موج اعتراضات یکبار دیگر بر صحت ارزیابی حزب از موقعیت جنبش سرنگونی، دوره جدید جنبش کارگری و موقعیت چپ در کل جامعه مهر تایید گذاشت. (رجوع کنید به قطعنامه های کنگره ششم).

داریوش همایون: موقتا کنار جمهوری اسلامی می ایستیم



کاظم نیکخواه

کنار آمریکا می ایستیم
این بیان چکیده جوابهای داریوش همایون رایزن حزب مشروطه ایران به سوالات نشریه ای بنام "تلاش" است. در میان جریانات

صفحه ۴

سوال: اگر آمریکا به ایران حمله کند شما چه میکنید؟
جواب: موقتا کنار جمهوری اسلامی می ایستیم
سوال: اگر تحریم اقتصادی شود چه میکنید؟
جواب: از آن پشتیبانی میکنیم و

است و به پیش میروند. این دیگر دفاع نیم بند دو خردادی ها از زندانیان "خودی" و غیر سرنگونی طلب، و گله و شکایت از "انحصار طلبی" پسرعموهایشان در قدرت نیست. این دفاع بیقید و شرط از آزادی زندانیان سیاسی و مبارزه علیه نفس مجازات اعدام در هر شرایطی و به هر بهانه ای است. این دفاع از زندانیان سیاسی و اعتراض به اعدام از دید طبقه کارگر و از زاویه نقد سوسیالیستی کل وضعیت موجود است. حرف و پیام کنگره حزب هم همین بود. ما در کنگره ششم اعلام کردیم که جامعه با پرچم نقد سوسیالیستی به جنگ این حکومت میروند. آن زمان، یعنی حدود ۴ ماه قبل، استناد ما به جنبش دفاع از حقوق کودک، رواج یافتن سرود انترناسیونال در تجمعات اعتراضی، هشت مارس سرخ، بالا رفتن شعار سوسیالیسم یا بربریت در ۱۶ آذر، اول مه رزمنده کارگران و گسترش بیسابقه اعتصابات و اعتراضات کارگری بود. امروز باید جنبش آزادی

صفحه ۲



احمدی نژاد جنایتکار است! باید دستگیر و محاکمه شود

کشتارها و نسل کشی گسترده در
سال های ۶۰ و ۶۱، قتل عام چند

صفحه ۵

ملل، حضور یابد.
احمدی نژاد و دیگر سران
جمهوری اسلامی ایران قاتل ده ها
هزار نفر از مردم ایران اند. مسئول

محمود احمدی نژاد قرار است
یکشنبه ۲۳ سپتامبر وارد آمریکا
شود و سه شنبه ۲۵ سپتامبر در
شصت و دومین اجلاس سازمان

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ **چپ، انقلاب، و ویژگیهای ...**

زندانیان سیاسی و جنبش علییه اعدام را هم به این مستندات افزود. جنبشی که با پیشقدمی زندانیان سیاسی در اوج سرکوب و تشبثات حکومت برای ارباب جامعه قدم بجلو گذاشته و از قول جامعه و کل مردم معترض با صدای بلند اعلام میکند که نه تنها مرعوب نشده بلکه رودرروی حکومت ایستاده و قصد کرده است که مهمترین ابزار ارباب و سرکوب یعنی مجازات اعدام را از دست حکومتیان خارج کند.

این واقعیات از یکسو نشاندهنده موقعیت ویژه و تعیین کننده چپ در جامعه و ازسوی دیگر بیانگر پیشرویهای جنبش تعرضی مردم علیه حکومت است. جنبشی که از همان اوان شکل گیریش حزب ما آنرا جنبش سرنگونی خواند، تحولاتش را گام بگام دنبال کرد و با فعالیتهای و دخلاتگریهای مستقیما بر رشد و تعمیق آن تاثیر گذاشت. این جنبش امروز رادیکالیزه شده و خصلتی کاملا چپ یافته است. و این قبل از اینکه يك حکم نظری و تحلیلی باشد يك واقعیت و مشاهده تجربی است.

با این وجود بویژه برای آنکه بتوانیم گامهای بعد و راههای پیشرفت این جنبش را روشن کنیم، لازم است از لحاظ تحلیلی و نظری نیز یکبار دیگر بر جنبش سرنگونی و خصوصیات و ویژگیهای و موقعیت آن در شرایط حاضر دقیق شویم. نکته دیگری که این بررسی را ضروری میکند اینست که در عالم سیاست دیدن واقعیات تماما به موضع و خط و سیاست مشاهده کننده مربوط میشود. در این مورد نیز نیروهایی هستند که وجهه همت خود را انکار واقعیات قرار داده اند؛ انکار موقعیت چپ در جامعه، انکار حزب، و انکار جنبش سرنگونی. من در فرصت دیگری به تفصیل به این خط و سیاست انکار خواهیم پرداخت. در اینجا میخواهم تنها آنچه انکار میشود را بررسی کنم.

جنبش سرنگونی چیست؟

جنبش سرنگونی نیز مانند هر جنبش و حرکت اعتراضی دیگری با مضمون و اهداف مشخص میشود. جنبش سرنگونی همانطور که از

مختلف نقد و اعتراض و مطالبات مشخصی را مطرح میکنند که عملا و بطور واقعی نفس وجود جمهوری اسلامی را نشانه رفته است. جدائی مذهب از دولت، لغو حجاب، لغو اعدام و آزادی زندانیان سیاسی، انحلال شوراها، اسلامی و برسمیت شناسی تشکلهای کارگری مستقل از دولت، حتی افزایش حداقل دستمزدها به یک میلیون تومان در ماه معنای عملی ای بجز سرنگونی حکومت ندارد. منطق مستتر در هر يك از این عرصه ها در واقع اینست: دولت یا باید این خواستها را برآورده کند و یا برود!

ثانیا، مردم با کمترین اعتراض و ابراز مخالفتی با دولت و ارگانهای سرکوبش روبرو میشوند. جمهوری اسلامی هر حرکت اعتراضی "صنفي" و مطالباتی از بدحجابی تا خواست پرداخت دستمزدهای عقب افتاده را سیاسی میکند. هر خواست و حرکتی آشکارا و مستقیما با سد دولت برخورد میکند، سرکوب میشود و فعالین اش دستگیر میشوند و به این ترتیب عملا مساله حکومت و قدرت سیاسی به موضوع هر حرکت اعتراضی ای تبدیل میشود.

ثالثا سرنگونی طلبی يك گرایش عمیق و گسترده در جامعه است. مردم عمیقا از حکومت متنفرند و اعتراض و مبارزه در هر عرصه را به درست گامی در جهت تضعیف و عقب راندن حکومت میدانند. طرح خواستهای صنفي و مطالبات مشخص ناشی از توازن قوا است و نه تمایل و گرایش واقعی مردم. و این يك تفاوت اساسی بین جامعه ایران و جوامعی نظیر کشورهای صنعتی غرب است که کارگران و بخشهای دیگر جامعه خواستها و مطالبات معینی را مطرح میکنند بی آنکه لزوما ضد حکومت و خواستار برکناری آن باشند.

رابعا، راه تحقق مطالبات مردم در هر يك از این عرصه ها بطور واقعی و عینی سرنگونی حکومت است. عملا راه دیگری وجود ندارد و این را خود مردم خوب میدانند. نه رژیم قادر به تامین خواستهای مردم است و نه مردم میتوانند شرایط موجود را تحمل کنند. جایی برای سازش و توقف در میانه راه برای اصلاحات و تغییرات تدریجی به نفع

مردم وجود ندارد.

این شرایط و ویژگیها است که به اعتراضات مردم، جوانان و زنان و کارگران و بخشهای مختلف جامعه خصلت و مضمونی سرنگونی طلبانه میدهد. اساس مساله این است که جمهوری اسلامی از یکسو با يك بحران عمیق اقتصادی و سیاسی و اجتماعی روبرو است که قادر به حل و حتی تخفیف آن نیست و از سوی دیگر نتوانسته است جامعه را به سکون و رکود بکشاند. جمهوری اسلامی نه قادر به بازسازی و استقرار شرایط متعارف کارکرد سرمایه در ایران بوده است و نه علیرغم تمام وحشیگریها و جنایاتش توانسته است شرایطی نظیر گورستان آریامهری را در ایران برقرار کند. جامعه در برابر این حکومت از همان آغاز روی کار آمدنش در حال اعتراض و جوشش بوده است. انتظار و توقع مردم از زندگی، از قوانین و مناسبات اجتماعی، و از حق و حقوق خود بسیار بالاتر از آنچه است که جمهوری اسلامی سعی بر تحمیل آن داشته است. این حکومت يك وصله ناجور بر تن جامعه است و مردم از همان روز نخست آنرا پس زده اند. این وضعیت باعث شده است تا حرکات اعتراضی و جنبشهای معینی در جامعه شکل بگیرد که در مقایسه با تاریخ تحولات سیاسی در خود ایران و در همه کشورهای دیکتاتوری نظیر ایران بیسابقه و خود ویژه است. درک و آگاهی سیاسی جامعه، مسائل سیاسی و اجتماعی و مضامینی که مطرح است و موضوع بحثها و جدلها و "گفتمانها" و اعتراضات است، جوانان و زنان، و انتظار و چشم اندازی که از جامعه مطلوب خود دارند همه و همه درست در نقطه مقابل شرایط سیاسی و اجتماعی "متعارف" در يك جامعه سرکوب شده و اختناق زده است. جمهوری اسلامی جامعه را به فقر و فلاکت و بیحقوقی بیسابقه ای کشیده است اما مردم مستاصل و نومید نشده اند و به این وضعیت تمکین نکرده اند. تا قبل از انقلاب ۵۷ و حتی تا چند ماه مانده به قیام بهمن کسی تصور نمیکرد رژیم شاه رفتنی باشد.

در جمهوری اسلامی مدتهاست که مردم از رفتن حکومت حرف میزنند

و اینکه چطور باید از شر این حکومت خلاص شد موضوع بحث و گفتگوی جامعه است.

در پایه ای ترین سطح این وضعیت خود نتیجه و دستاورد انقلاب ۵۷ است. دستاوردی که جمهوری اسلامی با تمام توحش و جنایاتش قادر به باز پس گرفتن آن نبوده است. انقلاب ۵۷ گرچه به شکست کشیده شد اما چنان وسیع و عمیق زمین را شخم زد، چنان انتظارات و توقعات مردم را بالا برد که احیای وضعیت گذشته برای ضد انقلاب حاکم غیر ممکن شد. جامعه ایران با انقلاب ۵۷ از حکومت شاه و همراه با او سکون و رکود و اختناق شاهنشاهی، از آنچه گورستان آریامهری نامیده میشود، یکبار برای همیشه عبور کرد. نتیجه آنست که اعتراض علییه حکومت که در گذشته در يك جنبش گنگ و نامتعیین زیر زمینی "ضد شاهی" خود را نشان میداد، امروز جای خود را به اعتراضات وسیع مردم در عرصه های مختلف و با خواستهای سیاسی و اجتماعی معین و روشن و اعلام شده و با فعالین و نهادهای شناخته شده داده است. جنبش سرنگونی بر این زمینه و از دل این شرایط سر برآورده است.

يك ویژگی دیگر جنبش سرنگونی که خود بازتاب این شرایط است، استمرار و تداوم آنست. انقلاب در جوامع اختناق زده و به سکون کشیده شده معمولا به شکل ناگهانی و به شکل يك برآمد اجتماعی غافلگیر کننده و غیر قابل پیش بینی رخ میدهد و معمولا به سرعت اوج میگیرد و در عرض چند ماه به فرجام میرسد. پیروز میشود و یا به شکست کشانیده میشود. این دو قطبی "انقلاب یا سکون" در مورد جامعه امروز ایران صدق نمیکند. هنوز انقلابی در جریان نیست، جامعه در حال انقلاب نیست اما ساکن و راکد هم نیست. مردم از این حکومت متنفرند، خواهان سرنگونی آن هستند و مدتهاست در حرکات اعتراضی شان این تمایل و گرایش خود را نشان داده اند. جنبش سرنگونی انقلاب نیست اما حرکت مداومی است که تنها میتواند به انقلاب منجر شود. یا باید حکومت و طبقه حاکمه با ضربه ای مانند

از صفحه ۲ **چپ، انقلاب، و ویژگیهای ...**

کودتای ۲۸ مرداد این جنبش را درهم بکوبد و یا باید سرنگون شود. راه دیگری وجود ندارد.

تداوم و استمرار جنبش سرنگونی در عین حال خصلت متحول و پروسه رشد و انکشاف آنرا نیز منعکس میکنند. این جنبش مدام در حال تعمیق و رادیکالیته شدن و تعیین یابی بیشتر است. این جنبش در بلو شکلگیری خود از توهما ت نوع دو خردادی بری نبود. رای دادن به خاتمی یک از اولین بروزات جنبش سرنگونی است. رای مردم به خاتمی در واقع رای نه به ولی فقیه و کاندید انتخاباتی او بود. بخشی از جامعه به اصلاحات نوع دو خردادی و تغییر تدریجی حکومت متوهم بود ولی بخش وسیعتر این توهم را داشت که با ریاست جمهوری خاتمی میتوان به اختلافات بالائی ها دامن زد و از موضع قویتری در برابر ولی فقیه ایستاد. این نوع امکانگرایی در مراحل اولیه جنبش سرنگونی گرایش گسترده ای بود و کل جنبش دو خرداد که در واقع برای عقب راندن اعتراضات مردم به کل نظام و حکومت بمیدان آمده بود اساسا بر همین نوع امکانگرایی مردم و انتخاب بین بد و بدتر حساب و سرمایه گذاری میکرد. اما جنبش سرنگونی در تداوم خود و بعد از آنکه پوچی استحاله و تغییرات تدریجی بر همه عیان شد، چوبدستی دو خرداد را کنار گذاشت و برپای خود ایستاد. کنار رفتن دو خرداد خود حاصل ناتوانی اش در مهار حرکات اعتراضی مردم بود و شکست آن بنویه خود حقانیت و مطلوبیت و ضرورت انقلاب و سرنگونی انقلابی حکومت را در سطح وسیعی در جامعه تثبیت کرد و به پالایش جنبش سرنگونی به یک جنبش انقلابی منجر گردید.

امروز و در دوره بعد از دو خرداد جنبش سرنگونی به یک جنبش انقلابی و چپ که از یک زاویه نقد و اعتراض سوسیالیستی کل حکومت و نظام موجود را به چالش میکشد ارتقا یافته است. امروز دیگر دوره خاتمیها و جاریانها و گنجی ها و شیرین عبادی ها و استحاله و رفواندوم و نافرمانی مدنی گذشته است. دوره، دوره پیشروی نقد و اعتراض رادیکال و جذب نیرو به

مستقل از اراده و خواست نبرهای سیاسی است اما در عین حال این احزاب و نیروها بر مبنای استراتژی و اهداف و خود بر این جنبش تاثیر میگذارند. اگر حزب و نیروی راه و هدف دیگری بجز انقلاب و تغییر انقلابی وضع موجود داشته باشد، اگر طرفدار استحاله و تغییرات تدریجی و یا حتی سرنگونی به شیوه کودتا و تغییر از بالا و رژیم چنج و غیره باشد، طبعاً جنبش سرنگونی و پیشرویهای آنرا نمیبیند و انکار میکند. واقعیت آنست که نیروهای اپوزیسیون راست از سلطنت طلبان تا نیروهای ملی اسلامی تمام هم و غمشان مانع تراشی، تحریف، محدود کردن و به بیراهه کشاندن و نهایتاً متوقف کردن جنبش سرنگونی طلبانه مردم است. تز نافرمانی مدنی و استحاله و انقلاب خشونت است و رفاندوم و تغییر قانون اساسی و رژیم چنج و غیره و غیره همه ابداع شده اند تا با جنبش و اعتراضات رادیکال مردم برای تغییر بنیادی وضعیت موجود مقابله کنند. اینها سدها و موانعی بودند که جنبش انقلابی مردم از آنها عبور کرده است. در مقابل این جریانات و نیروهای بازدارنده، حزب ما بعنوان نماینده و سخنگو و نیروی پیش برنده جنبش سرنگونی عمل کرده است. برسمیت شناسی این جنبش و معرفی و شناساندن آن به جامعه، تلاش برای تعمیق و گسترده کردن و رادیکالیته کردن هر چه بیشتر این جنبش و نقد و افشای مانع تراشیهای اپوزیسیون راست، از توهم پراکنی های نوع دو خردادی تا نافرمانی مدنی و رژیم چنج، اینها همه اجزای سیاستی بوده است که حزب ما به پیش برده است و امروز حاصل این تلاش خود را در پرچم سرخی نشان میدهد که از اعتصاب نساجیهای سنج تا مبارزه کارگران واحد و از مبارزه معلمان تا جنبش دفاع از حقوق کودک و تا تجمع خاوران و جنبش زندانیان سیاسی علیه اعدام، همه جا در اهتزاز است. پیروزی و شکست این جنبش، ارتقا و تکوین آن به شکل یک انقلاب قدرتمند علیه حکومت و کلیت نظام موجود و یا در هم کوبیدن و به شکست کشاندن آن تماماً با پراتیک احزاب و نیروهای سیاسی گره خورده است. حزب ما با تمام امکان و توان خود میکوشد تا در مقابله

انجمن مارکس کانادا برگزار میکند**موضوع****مسیر ۱۶ ساله**

بررسی سیر تحولات جنبش و حزب کمونیسم کارگری از بدو تشکیل حزب تا امروز
در این سمینار موضوعات زیر مورد بحث قرار میگیرد:

شرایط سیاسی و اجتماعی ایران و جهان در مقطع تشکیل حزب و در شرایط امروز راست و چپ در جامعه:

پولاریزاسیون طبقاتی و تبعات آن
جدانها و انشعابات، مسائل گرهی و زمینه های سیاسی و اجتماعی

تعبیر و واقعیات: ن

قد نظرات و روایات مدعیان کمونیسم کارگری
موقعیت امروز جنبش کمونیسم کارگری،
و جایگاه سیاسی و اجتماعی امروز حزب
حزب، انقلاب، و سوسیالیسم: راه پیموده شده،
و راهی که در پیش است

سخنران: حمید تقوایی

زمان: شنبه ۲۹ سپتامبر از ساعت ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

علاقه مندان برای اطلاعات بیشتر لطفاً با شماره تلفن زیر تماس حاصل نمایند

(416) 858-9831

ورودی: ۵ دلار
ورود برای عموم آزاد است

marx_can1@yahoo.com

مسئول انجمن مارکس کانادا: محسن ابراهیمی

یک دنیای بهتر

**برنامه حزب را بخوانید
و در سطح وسیع توزیع کنید**



مستقیم با جمهوری اسلامی و با افشای پیگیر نیروهای راست و تمامی تحریف کنندگان و انکار کنندگان انقلاب و جنبش انقلابی مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی این جنبش را هر چه قدرتمند تر به پیش برد و به پیروزی برساند. *

از صفحه ۱ داریوش همایون ...

ناسیونالیست سلطنت طلب مدتهاست این بحث جریان دارد که چگونه سیاست آمریکا در قبال ایران را مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهند اما در عین حال نماد ناسیونالیستی خود را حفظ کنند که ظاهراً دفاع تا پای جان از "خاک پاک میهن" است. رژیم "چنج" حکومت آمریکا که چند سال پیش توسط نئوکنسرواتیستها طرح شد همه این جریانها را به وجد آورد که دارد کار جمهوری اسلامی تمام میشود و معلوم است که اگر قرار است جمهوری اسلامی با رژیم چنج آمریکا کارش تمام شود نامزد جانشینی حکومت همانهایی هستند که قبلاً سرسپردگی خود به سیاست آمریکا در ایران را در عمل و طی دهها سال سلطنت پهلوی و بعد از آن نشان داده اند. آنها برآستی سراز پای نمیشناختند و پیام آور "رژیم چنج" در ایران شدند. با روی کار آمدن خاتمی و دوم خرداد غرب و آمریکا شروع به نشان دادن چراغ سبز به خاتمی و به جمهوری اسلامی کردند و بدنبال آنها شخصیتهای اصلی یا شاخص ناسیونالیسم ایرانی امثال رضا پهلوی و داریوش همایون نیز در ماه عسل دوم خرداد، به صف مدافعین دوم خرداد پیوستند و به خاتمی تبریک و خوش آمد گفتند. شاید برآورد اینها این بود که روی کار آمدن دوم خرداد شروعی برای سر کار آمدن حکومت اسلامی نوع غربی است و آنها خود را برای شرکت در این حکومت آماده میکردند. دوم خرداد و خاتمی خیلی زود سترونی و بی افقی خود را نشان دادند و اینها نیز قبل از اینکه در این گرداب غرق شوند خود را عقب کشیدند و ساکت ماندند. در فضای داغ "رژیم چنج" کذایی، حمله آمریکا به عراق از سوی برخی از جریانها ناسیونالیست پروغرب حرکت به سوی تهران تلقی میشد. اما بعد از مدت نسبتاً کوتاهی معلوم شد که با این حمله همه چیز خراب شده است. عراق باتلاق سیاست رژیم چنج آمریکایی بود. در افکار

ناسیونالیسم آمریکایی این جنگی آزار دهنده بود که شکست ویتنام را بیادشان می آورد. در برخی محافل قدرتمند حاکمه این کشور با این جنگ قدر قدرتی دولت و ارتش آمریکا که قرار بود پشتوانه و مقدمه گسترش یک تازی ابرقدرت آمریکا در دوره بعد از جنگ سرد در سطح جهان قرار گیرد به زیر سوال رفت. و به جای اینکه در ذهن دولتمردان رقیب در ژاپن و چین و اروپا هیبت نیروی بی رقیب آمریکایی تقویت شود و وحشت برانگیزد، به طور جدی به زیر سوال رفته بود. در میان مردم کشورهای خاورمیانه و از جمله ایران، آمریکائی گری یک باردیگر با جنگ و کشتار و خانه خرابی مردم و گسستن شیرازه جامعه تداعی شد و منفور تر شد. این مخمصه بزرگی برای ناسیونالیسم سلطنت طلب ایرانی بود. هم ادامه این سیاست یعنی لشکر کشی به یک کشور دیگر از جانب دولت آمریکا دیگر چندان امکان پذیر نمی نمود و هم بدنه اجتماعی ناسیونالیسم ایرانی یعنی بخشی از مردمی که از فرط نفرت از توحش اسلامی به اینها حسن نظری یافته بودند دیگر علیرغم نفرت عظیم و بی انتها از جمهوری اسلامی خریدار آمریکائی گرای و افتادن دنبال سیاست رژیم چنج آمریکا نبودند. این بطور خلاصه زمینه و علت بحران گسترده و لاعلاجی است که کل ناسیونالیسم ایرانی را در بر گرفته و آترا زمین گیر کرده است.

داریوش همایون و حزب مشروطه و ظاهراً راه حل میانه ای پیدا کرده است. از نظر ایشان سیاست "تحریم اقتصادی" دست به نقد است و در عین حال تعهد ایشان به سیاست هیئت حاکمه آمریکا را بیان میکند. در عین حال حمله نظامی به ایران فعلاً نسیه است. مخالفت با آن مشکلی با شرکای آمریکایی پیش نمی آورد. بعلاوه میشود با این مخالفت جلوی آترا گرفت. بعلاوه و مهمتر اینکه

میشود با مخالفت با آن و حتی اعلام "شجاعانه" یا بقول ایشان "بی پرده" ایستادن کنار جمهوری اسلامی، تعهد خود به "تمامیت ارضی ایران" را عاجالتاً نشان داد. اینکه در تحریم اقتصادی چه تعداد از مردم ایران قربانی فقر و گرسنگی و بیکاری و بی دارویی میشوند مهم نیست. از نظر ایشان این "بهبایی" است که باید برای حل بحران اتمی جمهوری اسلامی" پرداخت. اما هرچه مردم قربانی شوند "تمامیت ارضی" کذایی ظاهراً لطمه ای نمی بیند. همین برای ناسیونالیست ماندن کافی است. اگر مخاطبین ایشان کارنامه جنایت و توحش جمهوری اسلامی را پیش روی ایشان بگذارند و قیاحت ایستادن کنار چنین حکومت منفوری را یاد آور شوند ایشان خواهند گفت ایستادن کنار جمهوری اسلامی "موقتی" است و در اولین فرصت فاصله خواهیم گرفت! اما مهمترین جنبه مخالفت با جنگ و تهدید ایستادن کنار جمهوری اسلامی و توصیه به همه ناسیونالیستها که در مخالفت با حمله نظامی اعلام کنند که کنار جمهوری اسلامی می ایستند خاصیت جالب تری دارد. ایشان در همین مصاحبه میگویند "خطر دیگر اینست که داستان چلی تکرار شود و ایرانیان (منظورشان جریانها سلطنت طلب و ناسیونالیست است) این تصور را به بازهای آمریکایی بدهند که همان بس که بمبها فروریزند و همه چیز سر جاییش قرار خواهد گرفت". مصاحبه داریوش همایون با تلاش). متوجه شدید؟ بقیه داستان چلی را همه میدانند. که او با یک دو جین هیئت همراهش که پستهایشان از قبل معلوم شده بود بعد از سرنگونی صدام حسین بعنوان ناجی ملت عراق توسط هواپیماهای آمریکایی راهی عراق شد و بعد به فاصله کوتاهی کارش به انزوا و بی آبرویی کشید و در آخرین انتخاباتی که شرکت کرد چیزی حدود یک صدم آرا را نصیب خود کرد و الی آخر. می بینید که آقای همایون با نفس حمله نظامی ارتش آمریکا به ایران هم مخالف نیست.

از تبدیل شدن به چلی ایران نگران است. و راه جلوگیری از تکرار چلی ایرانی شدن را این دیده است که اعلام کند در صورت حمله به ایران کنار جمهوری اسلامی می ایستد. برآستی چه سرنوشت و داستان چندش آوری! احساس میکنی که داری قعر لجنزار را کندوکاو میکنی.

ایستادن کنار جمهوری اسلامی یا ایستادن کنار نئوکنسرواتیستها، آمریکائی یا هردو! مساله اینست. داریوش همایون هر سه را برگزیده است! تا ببیند آینده چه میشود: ۱- دست به نقد پشت سر دومی برای تحریم اقتصادی علیه اولی. ۲- اعلام ایستادن پشت سر اولی در صورت حمله نظامی، برای جلوگیری از داستان چلی ۳- اعلام آمادگی برای ایستادن پشت سر هردو در صورت کنار آمدن بر سر یک آلترناتیو قابل اشتراک از سوی ناسیونالیستها، نظیر پروژه دوم خرداد یا بقول بعضی "جنیش اصلاحات"

ناسیونالیسم واقعا پدیده قابل توجه و جالبی است. اساسش بر ملت است. وانمود میکند که ملت یعنی همه مردم. اما معمولاً اتکانش به شاه و به خدا و از ما بهترانی است که حافظ و سمبل ملیت هستند. نوع جهان سومیش معمولاً سرش به یک دولت و نیروی خارجی بند است اما تا دلتان بخواهد در مدح همه چیز "داخلی" مدام مدیحه سرایی میکند. از تنها چیزی که در آن خبری نیست حقوق و اختیار و میدان برای مردم است. این مردم که عمدتاً کارگران را تشکیل میدهند تنها نقششان در چارچوب ناسیونالیسم اینست که در رقابت سرمایه دار ملت خودی با رقبای خارجی به سیاهی لشکر جنگ اینها تبدیل شوند و هم طبقه ای ها و مردم زاده یک کشور دیگر را قربانی کنند یا قربانی آنها شوند و افتخار کنند که دارند از "مام میهن" دفاع میکنند. میهنی که اختیار یک وجب خاکش و حق استفاده حتی از هوای آزادش را هم ندارند. ناسیونالیسم چارچوبی است که مردم

را و امیدارد که علیه عقل و شعور و مصالح انسانی خود عمل کنند. ناسیونالیسم و ملت قالب و ایدئولوژی ای علیه مردم است. مردم به مقام شامخ و موهوم "ملت" ارتقا داده میشوند تا حقوق ملموس زمینی شان یعنی نان، آزادی و رفاهشان، قربانی افتخار موهوم ملی شود.

به همین موضع مشخص حزب و مشروطه و رهبر سیاسیش خوب دقت کنید! ایشان خود را ملزم میداند که در کشاکش میان ارتجاع اسلامی و ارتجاع نظم نوینی جانب یکی را بگیرد. چشم ایشان کس دیگری را نمی بیند. نیروی سومی نیست. مردمی که از هردوسوی این جنگ و کشاکش منجر و متفرند گویی اصلاً وجود ندارند. ناسیونالیست ما مردم را نمیتواند ببیند. می بیند اما به آنها نمیتواند اعتماد کند. ناچار است به سراغ راه حلی از بالا برود. مردم اگر تشویق شوند که کاری بکنند ممکن است سنگ روی سنگ بند نشود. ممکن است انقلاب کنند که خشونت است.

ممکن است نفس نظام اقتصادی و اجتماعی را زیر سوال بکشند. از همین رو ایشان با دست و دل بازی قربانی شدن هزاران کودک و مرد زن در اثر تحریم اقتصادی را بسادگی مورد حمایت قرار میدهد و حاضر میشود این بهارا بپردازد. چه سخاوت و علو طبعی! در برابر وانمود میکند که با جنگ مخالف است و بخاطر آن حاضر است ننگ ایستادن در کنار جمهوری اسلامی را بجان بخرد. اما وقتی کمی موضع ایشان را خراش میدهی معلوم میشود مخالفت با جنگ نیز از سر قربانی شدن مردم نیست بلکه از سر ترس از چلی شدن یا باختن قافیه به رقبای دیگر است. کارگران و مردم ناچارند برای خلاصی از قربانی شدن در منگنه کشاکش ارتجاع اسلامی و ارتجاع نظم نوینی، مانع ناسیونالیسم را هم بطور جدی کنار بزنند تا بتوانند واقعیت را آنگونه که هست ببینند و قدرت عظیم خویش را در مقابل هردو سوی ارتجاع باور کنند.*

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

پیام حمید تقوائی بمناسبت آغاز سال تحصیلی به جنبش عظیم جهانی علیه اعدام به پیوندید!

از صفحه ۱ احمدی نژاد جنایتکار ...

در در سراسر جهان علیه اعدام ها در ایران صورت گرفت. دهم اکتبر نیز در راه است. در این روز که روز بین المللی علیه اعدام در سراسر جهان است، سر ها بطرف ایران که بیشترین اعدام ها نسبت به جمعیت کشور را دارد، خواهد چرخید. مخالفین جمهوری اسلامی ایران به این مناسبت نیز اعتراضات گسترده ای را در سراسر جهان تدارک دیده اند.

جمهوری اسلامی ایران باید از همه سازمان ها و مراجع بین المللی اخراج گردد. کلیه روابط سیاسی، دیپلماتیک و فرهنگی با رژیم جمهوری اسلامی باید قطع گردد. احمدی نژاد و سایر سران جمهوری اسلامی ایران بخاطر جنایاتی که مرتکب شده اند باید دستگیر و برای محاکمه به دادگاه بین المللی سپرده شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران همه مردم، بویژه ایرانیان مقیم آمریکا را به اعتراض علیه جنایات جمهوری اسلامی فرا میخواند. به هر شکل که میتواند و از جمله با برپایی تظاهرات در مقابل محل حضور احمدی نژاد، صدای اعتراض مردم ایران علیه جنایتکاران حاکم بر ایران را رساتر کنید!

تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ شهریور ۸۶، ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۷

هزار نفر از زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ و برپائی گورهای دسته جمعی اند. اعمال آپارتاید جنسی علیه زنان، سرکوب گسترده مخالفین سیاسی و اقلیت های مذهبی و مردم منتسب به اقلیت های قومی، آدم ربائی، اعمال گسترده شکنجه و سنگسار و ده ها ترور در خارج از مرزهای ایران در پرونده شان ثبت است. کشور ایران تحت سلطه آنها به تمام معنی به یک زندان بزرگ تبدیل شده است. در هفته های گذشته جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با اعتراضات مردم و ایجاد رعب و وحشت در جامعه، سرکوب زنان و مخالفین خود را گسترش داده، بسیاری را بزدان انداخته و مورد شکنجه قرار داده است. ده ها نفر را در ملا عام بدار آویخته و یا اجرای احکام اعدام را بطور گسترده از تلویزیون بنمایش گذاشته است.

این سفر در حالی انجام میگردد که در ماه های اخیر اعتراضات وسیعی در جهان علیه موج سرکوب و خشونت گسترده جمهوری اسلامی علیه زنان، کارگران، دانشجویان، جوانان، روزنامه نگاران، و زندانیان در جریان بوده است. در ۹ اوت در بیش از ۳۰ کشور جهان اعتراضاتی برای آزادی دو تن از رهبران کارگری صورت گرفت. هفتم سپتامبر در پاسخ به فراخوان زندانیان سیاسی از زندان های ایران، اعتراضات وسیعی

مدن انسانی فریاد اعتراض اکثریت قریب به اتفاق جامعه را منعکس میکند. مبارزه شما جزئی از اعتراض انسانی کل جامعه علیه فقر، علیه بی حقوقی و تبعیض، علیه دخالت مذهب در دولت و در آموزش و پرورش، علیه آپارتاید جنسی و علیه اعدام و سرکوب است. جوانان و زنان و کارگران و اکثریت عظیم جامعه با شما هستند و از اعتراضات و مطالبات شما پشتیبانی میکنند. کارگران و سکولاریستها و آزادیخواهان جهان نیز با شما و در کنار شما هستند. با تمام قوا برای دفاع از حقوق انسانی خود و برای دفاع از انسانیت بمیدان بیابید و مردم آزادیخواه در ایران و جهان را به حمایت از اعتراضات خود فرابخوانید. در برابر نیروی عظیم تمدن و انسانیت هیچ قدرت ارتجاعی تاب مقاومت نخواهد داشت. پیروزی از آن ماست. در این تردیدی بخود راه ندهید.

حمید تقوائی
دبیر کمیته مرکزی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ شهریور ۸۶، ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۷

استقبال ۱۰ اکتبر (۱۸ مهر) روز اعتراض جهانی علیه مجازات اعدام می رود. اولین اقدام جنبش دانشجویی در سال تحصیلی جدید پیوستن فعال و گسترده به این حرکت است. دانشگاه میتواند در جنبش علیه مجازات اعدام نقش پیشرو و تعیین کننده ای ایفا کند. اعدام یکی از فجیع ترین پروژات بربریتی است که جنبش دانشجویی در ۱۶ آذر سال گذشته پرچم سوسیالیسم را در برابر آن به اهتزاز درآورد. بگذار شعارهایی چون "نه به اعدام"، "اعدام همه جا و در هر شرایطی ممنوع" و "اعدام قتل عدم دولتی است" در کنار "آزادی و برابری" و "سوسیالیسم یا بربریت" بر سر در دانشگاهها نوشته شود. بگذار ۱۸ مهر امسال دانشگاهها یک سنگر قدرتمند جنبش جهانی علیه اعدام در جامعه ایران باشد.

دانشجویان، دانش آموزان، معلمان! بازگشائی مدارس و دانشگاهها یک نیروی عظیم اعتراضی را مجتمع میکند و بمیدان می آورد. مبارزه معلمان برای منزلت و معیشت و مبارزه جوانان برای خلاصی فرهنگی و برخورداری از یک زندگی شاد و

دانشجویان آزاده! جنبش دانشجویی همواره در پیشاپیش جامعه و جنبشهای اعتراضی مردم حرکت کرده است. امروز دانشگاه با برافراشتن پرچم آزادی و برابری و سوسیالیسم یک سنگر مستحکم اعتراض و نقد سوسیالیستی علیه کلیت نظام موجود است. باید این سنگر را با تمام قدرت حفظ کرد، و نبرد برای آزادی و سوسیالیسم را هر چه گسترده تر و فعالتر در کل جامعه به پیش برد.

در شرایط حاضر رویارویی با موج سرکوبی که جمهوری اسلامی برپا کرده یکی از لحظات تعیین کننده این نبرد است. جمهوری اسلامی برای مرعوب کردن جامعه به سرکوب هر چه وسیعتر و دستگیریها و اعدامهای جمعی روی آورده است اما نتوانسته است اعتراضات را خاموش کند. تلاشهای حکومت تا امروز با تعرض زندانیان سیاسی و تحرک نیروهای بین المللی در اعتراض به اعدامها روبرو شده است. این حرکت اعتراضی که تا همینجا دو روز همبستگی جهانی ۹ اوت و ۷ سپتامبر را فراخوانده است، اکنون به

جلسات گفتگو با حمید تقوائی در چت روم پلتاک

محل اطاق در پلتاک:

زیر گروه Asia/Africa/Australia
روی Persiana کلیک کنید

توجه:

۱- اتاق یکساعت قبل از جلسه رسمی باز است.
۲- با شرکت در این جلسات می توانید هر گونه نظر، سؤال و پیشنهاد خود را، مستقل از

چهارشنبه ها

ساعت ۷ شب اروپای مرکزی،
۹:۳۰ شب به وقت ایران
۷ بوقت اروپای مرکزی
۱ بوقت شرق کانادا و آمریکا

مکان:

اتاق ایران با حمید تقوائی
دبیر کمیته مرکزی حزب
کمونیست کارگری ایران

سایت حزب: www.wpiran.org
سایت روزنه: www.rowzane.com
نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com
سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

سوسیالیسم بپا خیز!
برای رفع تبعیض

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

۱۰ اکتبر (۱۸ مهر)، علیه اعدام بپا خیزیم! تظاهرات، راهپیمایی، نمایشگاه عکس و ...

زنان و مردان آزاده! ۱۰ اکتبر برابر با ۱۸ مهر روز جهانی علیه اعدام است. امسال قرار است مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه ای را بگذراند و از همه دولت ها بخواهد که مجازات اعدام را به حالت تعلیق درآورند. ۱۰ اکتبر تمام دنیا متوجه اعدام یعنی قتل عمد دولتی خواهد شد که هنوز در برخی کشورها از جمله ایران جریان دارد. جمهوری اسلامی که چه از نظر تعداد اعدام به نسبت جمعیت کشور و چه بخاطر اعدام در ملاء عام، رتبه اول را در جهان دارد، مورد اعتراض جهانی قرار خواهد گرفت. این فرصت را مغتنم شمردیم و آنرا به یک نقطه عطف در پیشروی علیه اعدام و رژیم صدهزار اعدام تبدیل کنیم. همه شما را به شرکت در برنامه هایی که به این مناسبت برگزار میگردد، فرا میخوانیم.

Zwischen Hauptwache und Alter Oper
Börsen Str. 1

تلفن های تماس:
شهنواز مرتب: 01729716227049
سعید ویسی: 17892525620049

آلمان - برمن

مارش اعتراضی و تجمع در مرکز شهر
چهارشنبه ۱۰ اکتبر از ساعت ۱۴ تا ۲۰
چادر و میزهای اطلاعاتی
شنبه ۲۲ سپتامبر از ساعت ۱۴ تا ۲۰
جمعه ۲۸ سپتامبر از ساعت ۱۴ تا ۲۰
شنبه ۶ اکتبر از ساعت ۱۴ تا ۲۰

آدرس محل Bahnhofplatz

۱۰ اکتبر مارش اعتراضی و تجمع در مرکز شهر برمن

تلفن های تماس:
سیامک مکی:
00491724037035
داریوش بیگی:
00491731637132

آلمان - کلن

تجمع و پیکت اعتراضی
چهارشنبه ۱۰ اکتبر از ساعت ۱۶:۳۰
در محل
Domplatte
تلفن تماس
مهین درویش روحانی: 0049 1778044790

نروژ- اسلو

غرفه اطلاعاتی و نمایشگاه عکس
مکان: مقابل پارلمان نروژ
زمان: شنبه ۶ اکتبر از ساعت ۱۳ تا ۱۷
تلفن تماس: صابر رحیمی
004798694001

تشکلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

سپتامبر ۲۰۰۷
تلفن تماس: خلیل کیوان 0046704158999

سوئد- استکهلم

تظاهرات و نمایشگاه عکس از جنایات جمهوری اسلامی
زمان: چهارشنبه ۱۰ اکتبر ۵ بعد از ظهر
مکان: مینت توریت (Mynttorget)
تلفن تماس: منوچهر ماسوری 0046704917494
جمیل فرزاد: 0046703610279

سوئد- یوتبوری

تظاهرات و راهپیمایی
زمان: چهارشنبه ۱۰ اکتبر
محل تجمع: میدان گوستاو آدولف، ساعت ۱۷
ساعت حرکت: ۱۷:۳۰ به طرف Götaplatsen

کانادا - تورنتو

تظاهرات
زمان: چهارشنبه ۱۰ اکتبر - ساعت ۴ بعد از ظهر
مکان: تورنتو - مقابل پارلمان آنتاریو Queen's Park
تلفن های تماس:
میترا دانشی 4163589600
یدی محمودی 4167269321

فنلاند - تامپره

سخنرانی عبدال گلپریان
زمان: جمعه ۵ اکتبر ساعت ۱۷ الی ۱۹
مکان: 15 uolteenkatu

چادر و میز اطلاعاتی و نمایشگاه عکس
از جنایات جمهوری اسلامی ایران در مرکز شهر تامپره
چهارشنبه ۱۰ اکتبر از ساعت ۱۲ الی ۱۸ بعد از ظهر
آدرس محل: Keskustori
تلفن های تماس:
عبدال گلپریان: 00385405758250
عمر معروفی: 00385409111190

آلمان - فرانکفورت

تجمع اعتراضی و آکسیون
چهارشنبه ۱۰ اکتبر ساعت از ساعت ۱ تا ۶ بعد از ظهر
نمایشگاه عکس به همراه میز کتاب و چادر اطلاعاتی
۲۲ و ۲۹ سپتامبر از ساعت ۱ تا ۶ بعد از ظهر
Frankfurt Stadtmittel

اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

به حزب کمونیست کارگری
پیوندید!